



# چیزهایی میان همه چیز

ادیب جان سنور

## Edip Cansever

شعر

است. با چاپ مجموعه شعرهای بعدی‌اش جهان شعری منحصربه‌فردی را به‌وجود آورد. اشعار این دوره با فرمی بی‌شکل، گریزان از مفهوم و برگرفته از الهام آزاد او را به یکی از شاخص‌ترین شاعران «موج نو دوم» ترکیه، که به سرودن اشعار بی‌مفهوم شهرت داشتند بدل کرد. به مرور زمان خشم و دل‌تنگی جای شوق و دل‌بستگی را در شعر او گرفت و از آن روحیه نقادانه تنها نامیدی ویران‌کننده‌ای به‌جا ماند. زبان و فرم شعری‌اش نیز دچار تحول شد و به نوشتن شعرهای بلند با بکارگیری دیالوگ‌های نمایشنامه‌ای روی‌آورد. سه مجموعه شعر «کجاست آنتیگونه؟»، «ترازدی‌ها» و «یعقوب ناخوانده» از آن جمله‌اند. با این‌که مفهوم سرپوشیده اشعارش فهم آن‌ها را سخت می‌کرد اما دست‌کم هیچ‌گاه خود را مدافع شعر بی‌مفهوم نشان نداد و به تدریج از جریان شعری موج نو دوم جدا شد. جان سنور از بکارگیری قابلیت‌های نثر هم غافل نشد. نه تنها با شعرهای‌اش بلکه با نقدها و طرز زندگی‌اش نیز همواره بحث‌برانگیز بود. او با نوشتن مداوم و تعداد کثیر اشعار منتشر شده‌اش همیشه به عنوان شاعری پرکار نظرها را به طرف خود جلب کرد.

از دیگر آثارش می‌توان به این عناوین اشاره کرد:

باغ نامیدن، نفت Petrol، آگوست کثیف، سفرنامه شاعر، از نو، شهر هتل‌ها و... همچنین یک کتاب نثر که پس از مرگ شاعر منتشر شد. □

۸ آگوست ۱۹۲۸ در استانبول به‌دنیا آمد. دیپلم‌اش را در دبیرستان پسرانه استانبول گرفت. تحصیلاتش را در آموزشکده عالی تجارت نیمه‌کاره رها کرد و در کاپالی‌چارشی (بازار سنتی سرپوشیده و مشهور استانبول) به تجارت فرش و اشیای عتیقه مشغول شد. از سال ۱۹۷۶ به بعد فقط به شعر پرداخت. درحالی‌که سرگرم گذراندن تعطیلاتش در کنار دریا بود دچار خونریزی مغزی شد و در ۲۸ می ۱۹۸۶ در یکی از بیمارستان‌های زادگاهش درگذشت.

اولین شعرش را در شانزده سالگی و در مجله استانبول منتشر کرد. مجموعه شعرهایی را که در دوران جوانی‌اش در نشریات و مجلات مختلف منتشر کرده بود، در نخستین کتاب شعرش با نام «عصرگاه» İkinci St جمع‌آوری کرد. این کتاب تحت تأثیر جریان شعر غریب است. شعرهایی سرشار از نگرش مشتاق به زندگی که رنگ‌مایه اصلی‌شان را احساسات و سرگردانی‌های جوانی شکل می‌دهد. در ۱۹۵۱ مجله «نقطه» Nokta را منتشر کرد. انتشار این مجله سبب شد تا با شاعران و نویسندگان جوان آشنا شود. دومین کتاب شعرش با عنوان Dirlık D zenlik که هفت سال پس از نخستین کتاب‌اش به‌چاپ رسید، محصول همین دوران است. حل شدن تفکر و معنا در زبان، جست‌وجو برای لحن و بیان خاص و استفاده از ابزار طنز برای نقد جامعه از خصوصیات بارز اشعار این کتاب

### مجهولات II

سپایه در گردش است میان شب و سیه‌چردگی  
- یک‌آن - نگاه‌هایت میان دریای آبی و آسمان  
تو یک تناسب هستی - تابستان‌ها می‌گردند درون روزهای زمستان -  
صبح‌ها یک چیزهایی ناقص‌اند، عصرها  
اندوهی در توست به‌وجود آمده از نقصان‌ها.  
جایی هستی در میانه‌ها - این‌گونه‌ای تو یک سستی هستی، بی‌سبب - یک چیزهایی میان همه‌چیز است -

در هر ساعتی از روز - می‌شنوی؟ -

خیال‌ها از یکدیگر می‌ترسند.

### فرودگاه

خورشید به سرعت می‌ایستد  
یکی هستم از مسافران  
از آسمانی قدیمی به فرودگاهی دیگر  
با دو چمدان بزرگ  
مثل یک پیوست سترگ برای سرگشتگی‌ام.  
و مساحت معلق حضور در بودن،  
با پرواز پرندگان در خلأ  
چیزی به سرعت می‌ایستد  
یک هواپیما گویی هزار هواپیما  
یک روز بعدازظهر گویی هرروز

### اتاق

بعدازظهر.

### مثل یک صفحه گرامافون...

روز به روز شکل اتاق‌ام را به خود می‌گیرم  
از نو می‌سازم این هستی نالان را  
چه کسی می‌داند، شاید هم احساس می‌کنم  
سرنوشت‌اش را  
درحالی‌که تکه‌های شاخه خشکیده را از درون می‌خورد  
آن سرنوشت شگفت  
حشره‌ای را که به شاخه بدل می‌شود.  
نه شبیه مرگ است نه شبیه بی‌مرگی.  
بعدازظهر.  
مثل یک صفحه گرامافون...  
رنگ آبی مثل یک صفحه گرامافون در آسمان می‌چرخد  
صدای‌اش پایین، خیلی پایین‌تر  
روی یک دیوار. و اما دیوار  
انگار که دست کودکی باشد مشغول بستنی خوردن  
لبریز شده و سرازیر می‌شود  
بوسه می‌زند بر گل‌های اناری که خاک را خونی کرده‌اند.  
بوسیده می‌شوم در چمنستان سراپا  
سپید تنهایی‌ام  
بی‌بانی است فردا.